

اللَّهُمَّ





سیرهٔ سیاسی حضرت امام خمینی علیه السلام



جلد یازدهم

اصل احتراز از ایجاد یأس و ناامیدی،
دیدن خوبیها و تقویت امید در مردم



موسسه فرهنگی هنری قدر ولایت

سیرهٔ سیاسی حضرت امام خمینی علیه السلام

جلد یازدهم

اصل احتراز از ایجاد یأس و ناامیدی،

خوبیها و تقویت امید در مردم

گردآوری و تنظیم: مؤسسهٔ فرهنگی هنری قدر ولایت

ناشر: مؤسسهٔ فرهنگی هنری قدر ولایت

نوبت چاپ: اول ۱۳۸۹ شمارگان: دو هزار جلد

حروفچینی: ظریفیان لیتوگرافی: نیما چاپ: صاحب کوثر

شابک -?-?-۷۲۹۲-۹۶۴ ISBN 964-7292-??-?

شابک دوره -?-?-۷۲۹۲-۹۶۴ ISBN 964-7292-??-?

قیمت: ۱۲۰۰ تومان

تلفن توزیع: ۶۶۴۶۹۹۵۸-۶۶۴۱۱۱۵۱



فهرست مطالب

پیشگفتار ۹

فصل اول: یأس و ناامیدی، القاء دشمن ۱۱

۱- عدم یأس و ناامیدی در قیام برای خدا ۱۳

۲- عدم یأس و ناامیدی در مکتب انبیا ۱۹

۳- یأس و ناامیدی، از جنود ابلیس ۲۲

۴- مأیوس نبودن و تشویق دیگران به صبر ۲۶

۵- امیدواری و شجاعت در برخورد با مشکلات و حل تدریجی

آنها ۳۴

۶- القای یأس در جامعه از سوی دشمن ۴۲

۷- مأیوس کردن مردم با ایجاد آشوبها و هیاهوهای کاذب ۴۹

۸- تبلیغ دشمن به ناکارآمدی نظام برای ایجاد روحیه یأس ۶۴

فصل دوم: هوشیاری، امید و خودباوری ضرورت تداوم انقلاب

اسلامی ۷۷

۱- مأیوس ساختن دشمن، وظیفه همگانی ۷۹

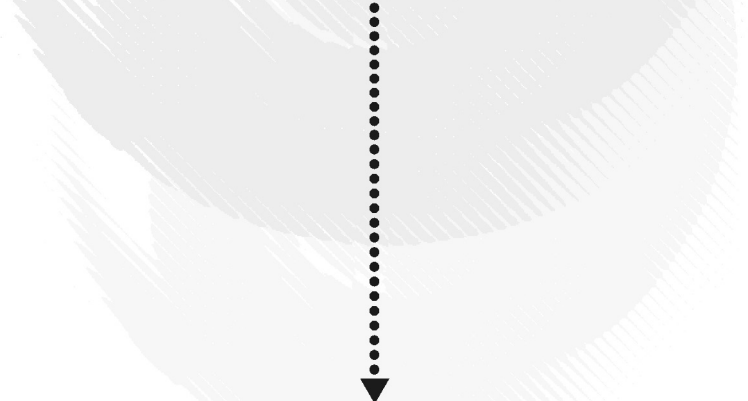
۲- هوشیاری در برابر حالت یأس دشمن ۸۹

- ۳- باور تواناییهای خود و پرهیز از خودکم‌بینی ۱۰۰
- ۴- توجّه به دستاوردهای انقلاب، عامل بزرگ امیدواری و توانایی ۱۰۴
- ۵- مایوس ساختن ملت‌های اسلامی از اصلاح ۱۱۱
- ۶- ممانعت از ناامید شدن ملت ۱۱۶

فصل سوم: چند خاطره از حضرت امام خمینی علیه السلام ۱۲۳

- به اعلامیه‌های اهانت‌آمیز توجّهی نکرده و مسلط بر اعصابشان بودند ۱۲۵
- مرگ آقا مصطفی از الطاف خفیه الهی بود! ۱۲۶
- نفس از سینه کسی بیرون نمی‌آمد اما امام آرام بود! ۱۲۸
- انشاءالله ما پیروزیم ۱۲۸
- در موقع برگشت به ایران، امام احساس خاصی نداشتند ۱۲۹
- نگران نباشید، فتح و نصرت با شماست ۱۲۹
- ما نباید مایوس باشیم، باید به وظیفه‌مان عمل کنیم ۱۳۱
- نگذارید مردم به اختلافان پی ببرند! ۱۳۲
- با آرامش و وقار امام، نگرانی و التهاب ما رفع شد! ۱۳۲
- وضع خواب و استراحت امام در آن شرایط فرقی نکرد! ۱۳۴
- هیچ تغییر و واکنشی در قیافه امام ندیدم! ۱۳۵
- همه را آرام کردند ۱۳۷
- امشب ختم امن یجیب بگیرید ۱۳۸
- جنگ است، یک وقت ما می‌بریم یک وقت دشمن ۱۳۹
- من جریان را شنیدم، رادیو را سر جایش بگذارید ۱۴۰
- کاملاً بر خود تسلط داشتند ۱۴۱
- محکم و قاطع در برابر مشکلات ۱۴۱
- ارتباط امام با خدا ۱۴۱

۱۴۲ راه نجات فلسطین، توکل بر خدا و کمک ملت‌هاست
۱۴۳ برخورد با صلابت روحی با قضیه هفتم تیر
۱۴۴ امام به ما دل‌داری می‌دادند
۱۴۵ دیگر دلیلی ندارد از خانه بیرون برویم!
۱۴۷ مجموعه راهبردهای تصریحی
۱۵۱ مجموعه نکات استنباطی
۱۵۵ جملات قصار



پیشگفتار

به تصدیق همهٔ عقلا و اندیشمندان، امید، مایهٔ نشاط، تلاش، سلامت روان، پیشرفت و تعالی فرد و جامعه است. امید از الطاف رحمانی است چنانچه یأس نتایج زیان‌باری مقابل بی‌آمدهای امید دارد. یأس دشمن انسان و پیشرفت و تلاش اوست. یأس از جنود شیطان است. دشمنانِ بشریت و بخصوص اسلام و تشییع، همواره در تلاشند تا با التاء ناامیدی به طرق مختلف در جامعه اسلامی، ایستایی و ضعف و سستی را در آنان بوجود آورند و منافع نامشروع خود را از این وضعیت بدست آورند. اسلام در مقابل، با تقویت امید واقعی و عقلایی و ذکر توانمندیهای انسان و حمایت‌های الهی و ملائک، افراد جامعه را به یک شوق و شور و نشاط و تلاش مضاعف سوق می‌دهد. فرهنگ انتظار در مسأله مهدویت یکی از مهمترین عوامل امید به آیندهٔ روشن و جهان پُر از عدالت و ایمان است. برخی خصوصیات در انسانها بواسطهٔ هواهای نفسانی و فرهنگ شیطانی وجود دارد که با روحیهٔ امید و نشاط در تضاد است. توجه به عیوب و اشکالات و ضعفها و بزرگ کردن آنها، ندیدن خوبیها یا کوچک کردن آنها، از جمله این خصوصیات است. خصلت شکر یا ناسپاسی و کفران نعمت از همین حالت روحی ناشی می‌شود. لذا قرآن کریم، بارها، با برشماری نعمتهای الهی، انسانها را به شکر دعوت و از کفران باز می‌دارد.

وَأَمَّا بِنِعْمَتِ رَبِّكَ فَحَدِّثْ وَاَمَّا بِهٖ نِعْمَتِ پروردگارت سخن بگو. (۱)
وَإِنْ تَعُدُّوا نِعْمَتَ اللَّهِ لَا تُحْصُوهَا اِگر بخواهید نعمتهای خدا را شماره کنید، نخواهید
توانست. (۲)

لذا رسول گرامی اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می‌فرماید:

گفتگو از نعمتهای الهی شکر است و ترک آن کفر است و هر کدام سپاس نگذارد از بسیار
شکرگذاری نخواهد کرد. (۳)

معارف اسلامی تأکید دارند که انسانها، به خوبیها نظر کنند و از نگرستن و تفکر در زشتیها و عیوب

۱- سوره ضحی، آیه ۱۱.

۲- سوره ابراهیم، آیه ۳۸.

۳- نهج الفصاحه، حدیث ۱۲۰۲.

خودداری نمایند.

حضرت امیر علیه السلام می فرماید:

دَهَابُ النَّظَرِ خَيْرٌ مِنَ النَّظَرِ إِلَى مَا يُوجِبُ الْفِتْنَةَ (۱)

چشم را از دست دادن (کور شدن و ننگریستن) بهتر است از نظر کردن در چیزهایی که موجب فتنه و شر می شود.

در حدیث دیگری از آن حضرت، معنای حدیث فوق روشتر می شود. آن جا که می فرماید:

أَلَا إِنَّ أَبْصَارَ مَنْ نَقَدَ فِي الْخَيْرِ طَرَفُهُ (۲)

آگاه باشید، با بصیرت ترین دیده‌ها، دیده‌ای است که خیر و خوبیها را بنگرد.

بنابراین ننگریستن در عیوب و زشتیها چه در صورت فردای آن و چه در صورت جمعی و اجتماعیش، افتادن در فتنه و شر است. یعنی یا آلوده به آن گناه و زشتی می شود. یا سخن به آن زشتی و گناه باز کرده حرف افراد و جامعه را پاس نمی‌دارد. یا در گمراهی و انحراف فرو شده و از حقیقت دور می‌گردد. این مسأله داعی بر آن نیست که نپایستی اشکالات و ضعفها را دید، ارزیابی کرد و در جهت رفع آنها تلاش کرد، بلکه داعی آن است که در انصاف و مصلحت، دو عامل مهمی باشند که بر نگاه انسان حاکم باشند. اگر ضعفی دیده می‌شود نقاط قوت هم در کنار آن دیده شود و برآیند امید و نشاط و انگیزه از یاد نرود. اگر اشکالاتی در کار بود با رعایت مصالح نظام و مردم، بدون آن که دشمن توان بهره‌گیری از آن را داشته باشد، طرح شوند که باعث تقویت نظام و امید ملت و یأس دشمنان گردد.

حضرت امام خمینی می فرماید:

در بعضی قلمها یک کلمه راجع به این که فلان خدمت هم شده است نمی‌شود. از اول شروع می‌شود عیب، کجاست، کجاست، کجاست، همه. آن وقت بعضیهایش ضرر می‌زند به حیثیت اسلام، بعضیهایش ضرر می‌زند به نظام، بعضیهایش ضرر می‌زند، حتی در قوای نظامی تأثیر می‌کند. (۳)

در جای دیگری می فرماید:

نویسنده‌های ما، گویندگان ما همه‌شان دنبال این باشند که به این ملت امید بدهند. مایوس نکنند ملت را. بگویند توانا هستیم، نگویند ناتوان هستیم. بگویند خودمان می‌توانیم و در واقع همین طور است. می‌توانیم. اراده باید بکنیم... اگر این نویسنده‌ها، این گوینده‌ها، به جای این که به هم اشکال‌تراشی بکنند، به جان هم بریزند، با هم امید در ملت ایجاد کنند، اطمینان در ملت ایجاد کنند، استقلال روحی در ملت ایجاد کنند... ما تا آخر پیروز هستیم. (۴)

و با همین امید و روحیه و نشاط و توانایی بوده است که این اقتدار و عزت و پیشرفت را در داخل و در بین الملل بدست آورده‌ایم و با همین روحیه ادامه خواهد یافت.

مؤسسه فرهنگی هنری قدر ولایت

۱- غررالحکم، جلد اول، ص ۴۰۵.

۲- همان، ص ۱۶۱.

۳- صحیفه امام، ج ۲۰، ص ۱۳۰.

۴- صحیفه امام، ج ۱۳، ص ۵۳۷.